فهرست

[اصول/ سیره عقلائیه 2](#_Toc121055382)

[پیشگفتار 2](#_Toc121055383)

[احتمالات در تفسیر آیه 2](#_Toc121055384)

[احتمال اول 2](#_Toc121055385)

[احتمال دوم 3](#_Toc121055386)

[اشکالات احتمال دوم 4](#_Toc121055387)

[اشکال اول: 4](#_Toc121055388)

[اشکال دوم 4](#_Toc121055389)

[اشکال سوم 5](#_Toc121055390)

[احتمال سوم 5](#_Toc121055391)

[احتمال چهارم 6](#_Toc121055392)

بسم الله الرحمن الرحیم

# اصول/ سیره عقلائیه

# پیشگفتار

گفته شد به مناسبت آن دلیل اولی که در روایات وارد شده بود و ادعا شده بود اینها رادع علی الاطلاق نسبت به سیره هست به آیه شریفه‌ای که بی‌ارتباط با آن روایت نبود پرداختیم (آیه ۱۰۱ سوره مائده)

که می‌فرمود **﴿یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْیَاءَ إِنْ تُبْدَ لَکُمْ تَسُؤْکُمْ وَإِنْ تَسْأَلُوا عَنْهَا حِینَ یُنَزَّلُ الْقُرْآنُ تُبْدَ لَکُمْ عَفَا اللَّهُ عَنْهَا وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِیمٌ﴾**

بعد از اینکه نکاتی در آیه بیان شد عرض شد که ببینیم با ملاحظه این نکات و با توجه به این نکات مطروحه آیه را چگونه می‌شود تفسیر کرد و آیه ناظر به چه مضمونی است؟

وارد بیان احتمالات و تفسیرهایی شد که قابل طرح است قبل از اینکه آن بحث دیروز را ادامه بدهیم در مقدمه اشاره‌ای داشته باشم به اینکه در آیه مجموعه‌ای از ظهورات اولیه است که اگر بخواهیم آن‌ها را حفظ بکنیم نمی‌شود به آن مضمون حاصل از ظهورات اولیه تن داد و آن را پذیرفت.

ظهورات اولیه آیه

نهی ظهور در حرمت دارد

اطلاق اشیاء را قائل باشیم با آن همان قیدی که دارد بگوییم همه را می‌گیرد.

اطلاق در تَسُؤْکُمْ را هم قائل باشیم

و ظهور سؤال را هم در همین سؤالی که هست بپذیریم.

این چند ظهور را در آیه بخواهید باهم نگاه کنید و نگه بدارید مضمون قبول نیست از نظر ذهن عرفی.

این نشان می‌دهد یک تصرفی در جایی از ظهورات آیه لازم است و کم له من نظیر خیلی داریم که ظهور در یک آیه یا یک کلام چهار پنج ظهور را بخواهیم حفظ بکنیم می‌بینیم با ارتکاز ما سازگار نیست لذا باید در آن تصرف کرد

از این جهت است که بدون تردید در این آیه شریفه یک تصرفی و تجوزی لازم است.

احتمال دومی که دیروز طرح شد عبارت بود از محتمل الاسائه و السوء را ملاک قرار بدهیم گفتیم اگر آن هم باشد اطلاق آن را بخواهید بگیرد مقابل ارتکاز و سیره ساری و جاری است که در این روایات وجود داشته است اطلاق آن را نمی‌شود پذیرفت.

در احتمال سوم این بود که بگوییم این آیه یک امر ارشادی و غیر تحریمی و امثال اینها را می‌خواهد بگوید آن هم گفتیم با ارتکازات ناسازگار نیست.

به ترتیب احتمالات این بود که بگوییم همه ظهورات را حفظ کنیم؛ تحریم و سؤال از تکوین و تشریع و مساحت مطلقه هست و باید احراز بکند.

این چیزی نزدیک‌تر به واقع بود اگر بخواهیم بگوییم هیچ تصرف در هیچ ظهور از ظهورات نکنیم و کامل نگه داریم این است که سؤال از یک امر شرعی که می‌داند جواب از آن سختی می‌آفریند. این ظاهر اولیه است که احتمال اول بود که تحفظ بر همه ظهورات بود.

گفتیم این خیلی بعید است که آیه این‌طور چیزی بخواهد بگوید، ما چه می‌دانیم؟ مگر ما غیب می‌دانیم ممکن است یک جایی آدم یک چیزی را بداند ولی دایره خیلی ضیق می‌شود و با بعضی از شأن نزول‌ها سازگار نیست. احتمال اول کنار رفت که تحفظ بر همه ظهورات بود

از احتمال دوم به بعد یک ظهوری را کنار می‌گذاریم، احتمال دوم این بود که بگوییم **﴿إِنْ تُبْدَ لَکُمْ تَسُؤْکُمْ﴾** یعنی احتمال مصائب می‌دهد احتمال عقلایی می‌دهد که اگر پاسخ بگیرد مشکلی قرار می‌گیرد یعنی عقلاییاً محتمل است که پاسخ سختی آفرین باشد این دایره را باز می‌کند و مطلب هم نامعقول نیست منتهی با آن ارتکاز سیره ساریه و جاریه در همه روایات و آن همه پرسش و پاسخ‌هایی که شده است.

سوم این بود که بگوییم برای اینکه با مشکلی مواجه نشویم همین دوم را بگیریم ولی آن حکم را مولوی نگیریم بگوییم ارشادی است و اگر مولوی است تحریمی نیست و استحبابی و ندبی یعنی تنزیهی است این را هم گفتیم باز با یک ارتکاز و سیره برخورد می‌کند.

احتمال چهارم این بود که مقصود **﴿إِنْ تُبْدَ لَکُمْ تَسُؤْکُمْ﴾** چانه‌زنی در مقابل نص باشد مثل اجتهاد در مقابل نص، در جایی که عزلت را منع کرده است فرموده است ما اعتزال را از شما نمی‌خواهیم یا این چیز حلال است اینکه برود چانه بزند و گیری در آن دربیاورد که اگر جلو برود ممکن است به منعی برخورد کند.

این هم احتمال چهارم است که این احتمال اشکالی ندارد ولی ظاهر روایت فوق این حرف است که چانه‌زنی در مقابل یک نص باشد

این اگر داخل در آیه شریفه باشد و مشمول دلالت آیه شریفه باشد جزئی از یک پیکر است نه اینکه خود این مدلول تمام آیه شریفه باشد.

چهارم این است که مقابل یک نص و دلیل واضحی این مقاومت بکند و سؤال بکند می‌گوید سؤال نکن و اجتهاد مقابل نص نکنید استفسار مقابل نص نکنید.

گفتیم این درست است اما بعید است که آیه این را بخواهد بگوید فقط، چون این که آیه فرموده است **﴿إِنْ تُبْدَ لَکُمْ تَسُؤْکُمْ﴾** این را منصرف می‌کند از این، چیزی واضح را شنیدید بعد باز سؤال بکنید. بعید است که آیه این باشد.

احتمال پنجم:

این است که کسی تحدیدی ایجاد بکند و بگوید شامل تشریعیات نمی‌شود بگوید این آیه کار به امور شرعی ندارد بعضی این احتمال را داده‌اند که آیه مربوط به امور تکوینی است.

آن امور تکوینی که احتمال می‌دهید که اگر سؤال بکنید جواب ناخوشایندی می‌گیرید این را نپرسید، سابقه هم دارد که از حضرت از مغیبات سؤال می‌کردند آینده چه می‌شود، آیه در واقعی می‌خواهد دایره سؤال افراد از پیغمبر و ائمه که واقف بر غیب هستند در امور تکوینی محدود بکند و هر جایی هم احتمال این است که یک امر غیبی که سرنوشت افراد و جوامع و اتفاقات و وقایع سؤال می‌شود را محدود بکند گویا این طور است که با توجه به علم غیب و علم لدنی و احاطه پیامبر که معتقَد ما هست و معتقَد جامعه اسلامی هست این یک ترغیبی ایجاد می‌کرده است که همه دنبال این بحث بروند و پرسشی در این زمینه‌ها، و این فضای ارتباطی جامعه با پیامبر و معصوم به هم می‌ریخته است فضا، یک فضای غیب‌گویی می‌شده است و کسی بگوید ما این اطلاق **﴿عَنْ أَشْیَاءَ إِنْ تُبْدَ لَکُمْ﴾** که گفتیم هم شامل غیبیات می‌شود و هم شامل تشریعیات می‌شود از این دست برمی‌داریم و دیگر با مشکل چندانی مواجه نیستیم **﴿لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْیَاءَ إِنْ تُبْدَ لَکُمْ تَسُؤْکُمْ﴾**، حالا یا تنزیهی یا حتی تحریمی می‌گوییم آنجایی که احتمال می‌دهید سؤال شما مشکلی در کار زندگی ایجاد بکند و سختی ایجاد بکند وارد نشوید

و این احتمال سختی و ایجاد اسائه برای شخص سائل و یا برای دیگران در خیلی جاها وجود دارد و این آیه می‌خواهد دایره پرسش و پاسخ در امور غیبی و امثال آن را کاهش بدهد.

«سَکَتَ عَنْ أَشْیَاءَ لَمْ یَسْکُتْ عَنْهَا نِسْیَاناً»[[1]](#footnote-1)

**﴿لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْیَاءَ إِنْ تُبْدَ لَکُمْ تَسُؤْکُمْ﴾**

صلی الله علی محمد و آل محمد

1. [وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج27، ص175، أبواب كتاب القضاء، باب12، ح68، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/27/175/يسكت) [↑](#footnote-ref-1)